

## گروه قیدی

به نقش‌های مختلف کلمه‌ی «دیروز» در جمله‌های زیر دقت کنید :

۱) هوای **دیروز** از امروز بهتر بود. نقش : **مضاف‌الیه**

۲) به **دیروز** می‌اندیشم که خیلی سخت گذشت. نقش : **متمم**

۳) **دیروز** را رایگان از دست دادی. نقش : **مفعول**

۴) **دیروز** روز خوبی بود. نقش : **نهاد**

۵) روز ملاقات بیماران، **دیروز** بود. نقش : **مسند**

چنان که می‌بینیم، کلمه‌ی **دیروز** در جمله‌های بالا، نقش‌های اسم را گرفته است.

واژه‌ی **دیروز** در جمله‌ی زیر چه نقشی دارد؟

۶) **دیروز** به دیدن آثار تاریخی رفتیم.

هیچ یک از نقش‌های اسم را ندارد. **منادا** هم نیست.

واژه‌ی **دیروز** در این جمله، گروه قیدی است.

### ساده‌ترین راه برای شناختن گروه قیدی چیست؟

در پنج جمله‌ی نخست این صفحه، به هیچ وجه نمی‌توان کلمه‌ی **دیروز** را حذف

کرد؛ چون جمله ناقص می‌شود اما در جمله‌ی شماره‌ی شش، حذف کلمه‌ی **دیروز** جمله را ناقص نمی‌کند.

پس برای تشخیص **گروه قیدی** از سایر اجزای جمله، ساده‌ترین راه، حذف آن است.

یک نمونه‌ی دیگر :

در جمله‌ی «**دیروز**، آن‌جا، باز علی را دیدیم.» حذف گروه اسمی «علی را» و گروه

فعلی «دیدیم» غیر ممکن است اما بقیه‌ی اجزای جمله را می‌توانیم حذف کنیم، بی‌آن‌که جمله ناقص شود: **علی را دیدیم**.  
بنابراین، **دیروز**، **آن‌جا** و **باز** گروه قیدی هستند.

## اقسام قید

قیدها از نظر ظاهر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

**قیدهای نشانه‌دار**

**قیدهای بی‌نشانه**

**الف: قیدهای نشانه‌دار:** در ساختمان این نوع قیدها علامتی است که بدان شناخته

می‌شوند. این قیدها سه‌گونه‌اند:

۱- واژه‌های **عربی تنوین‌دار**: پدر در کار خودش **واقعاً** استاد بود.

۲- قیدهایی که از یک **پیشوند + اسم** ساخته می‌شوند:

**با عجله** آمده بود.

**به زور** جعبه را بالا گرفتند.

در مه صبحگاهی **به سختی** می‌شد آدم‌ها را تشخیص داد.

علی نمی‌خواست **بی‌هدف** به راه خود ادامه دهد.

۳- **متمم قیدی**: قیدهایی که از یک حرف اضافه + اسم یا ضمیر ساخته می‌شوند:

با چه **آمدید**؟

**از دیروز تا حالا** او را ندیده‌ام.

**تا شهر** راه زیادی پیمودیم.

**ب: قیدهای بی‌نشانه:** کلماتی هستند که بدون کمک نقش‌نما قید می‌شوند و بر

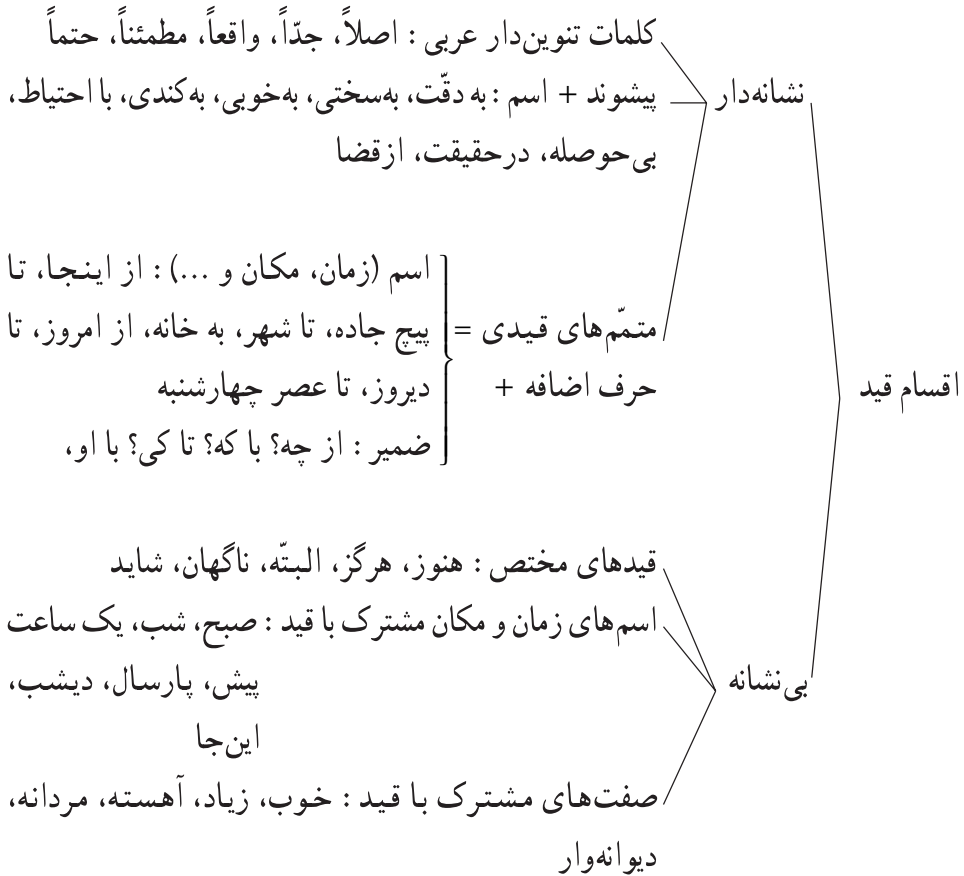
سه‌گونه‌اند:

۱- در اصل، اسم یا **گروه اسمی‌اند**: **امروز صبح** هواپیما تأخیر داشت.

۲- **صفت مشترک با قیدند**: **آهسته** به راه خود ادامه دادیم. **آهسته** = قید

**صدای آهسته‌ی او را می‌شنیدم**. **آهسته** = صفت

۳- فقط قید هستند که آن‌ها را **قید مختص** می‌نامیم.  
 او هرگز از نامالایمات شکایت نمی‌کند.  
 برخی از قیده‌های نشانه‌دار و بی‌نشانه را در زیر می‌بینیم.



## خودآزمایی

- در نوشته‌های زیر، قیدها را شناسایی کنید و نوع آن‌ها را بنویسید.
  - آن شب اصلاً از حرف‌های او سر در نیاوردم.
  - حرف‌های آن روز پدر، کاملاً به مجید قوت قلب داده بود.

- فرار بود همان روز صبح، مجید با اتوبوس به تهران برود.
- همه‌ی مشق‌ها را با دقت کافی نوشته بود.
- همه جا را به سرعت گشتیم؛ از هرکسی سراغ کتاب را گرفتیم؛ متأسفانه نتوانستیم پیدایش کنیم؛ هر جا که می‌رفتیم، کتاب فروش می‌گفت: «تا همین یکی دو ساعت پیش داشتیم.» با ناراحتی به خانه برگشتیم.
- ۲) واژه‌ها و ترکیب‌های زیر را به عنوان قید در جمله به کار برید.  
دو روز قبل، خیلی خوب، همین‌جا، دلاورانه، سریع، دیروز ظهر، یک‌ساعت بعد
- ۳) درباره‌ی موضوع زیر یک پیام بنویسید.  
دعوت به جلسه‌ی یرسش و پاسخ درسی
- ۴) درباره‌ی موضوع زیر یک نامه‌ی اداری مناسب بنویسید.  
تقاضای اشتراک مجله‌ی رشد جوان به نشانی تهران - صندوق پستی ۶۵۸۴/۱۵۸۷۵
- ۵) شکل نوشتاری و گفتاری کدام‌یک از کلمات زیر متفاوت است، چرا؟  
نیایش، سینی، دیانت، پیاز، دیار

## زبان‌شناسی چیست؟ (۲)

در درس گذشته، دو مشکل از مشکلات شناخت زبان و راه حل آن‌ها را مطرح کردیم: یکی تغییر و تحول دائمی زبان و دیگری وجود انواع گونه‌ها، لهجه‌ها و گویش‌ها در زبان. اینک به سومین مشکل شناخت زبان یعنی پیچیدگی و گستردگی بیش از حد آن و راه حل این مشکل می‌پردازیم.

در این خصوص زبان‌شناسان به جای آن که به طور یک‌جا به مطالعه‌ی زبان بپردازند آن‌را به چند بخش تقسیم می‌کنند و هر بخش را جداگانه، یا به اصطلاح خودشان، در **سطحی** جداگانه بررسی می‌کنند.

در یک سطح، فقط به مطالعه‌ی صداها و قواعد ترکیب آن‌ها به منظور ایجاد ساخت‌های آوایی زبان می‌پردازند. به این سطح از مطالعه‌ی نظام زبان **واج‌شناسی** می‌گویند. مثلاً به هنگام مطالعه‌ی زبان فارسی در سطح واج‌شناسی مشخص می‌کنند که این زبان ۲۹ واج دارد، و واج‌های مزبور طبق قواعد واجی این زبان باهم ترکیب می‌شوند و ساخت‌های واجی از نوع «سه»، «سر» و «سرد» را می‌سازند. نیز معلوم می‌کنند که چرا ما در زبان فارسی ساخت‌های واجی از نوع «قارچ»، «مزد»، «بیست» یا «نژند» را داریم، ولی ساخت‌های واجی از نوع «قاجر»، «مازد»، «بیزد» یا «ندتر» را به هیچ وجه نمی‌توانیم داشته باشیم.

### فعالیت ۱

بیست‌ونه واج زبان فارسی را بیان کنید. سپس یکی از دانش‌آموزان آن‌ها را روی تخته‌ی کلاس بنویسد.

در سطح دیگر، زبان‌شناسان فقط به بررسی نشانه‌های زبان و قواعد ترکیب آن‌ها

به منظور ساختن کلمات و عبارات و جمله‌های زبان بسنده می‌کنند. این سطح از مطالعه‌ی نظام زبان را **دستور زبان** می‌خوانند و آن را به دو بخش **صرف و نحو** تقسیم می‌کنند. در بخش صرف به بررسی و طبقه‌بندی نشانه‌های ساده، مثل «باغ» یا «- بان» (در «باغبان») یا «بی -» (در «بی‌خبر») و مانند این‌ها می‌پردازند و از نشانه‌ها به نام تک‌واژ یاد می‌کنند. آن‌گاه به چگونگی ترکیب تک‌واژها تا حد **کلمات مشتق** (مثل همان «باغبان» و «بی‌خبر») و **کلمات مرکب** (مثل «کتاب‌خانه» و «گل‌فروش») توجه می‌کنند. در بخش نحو به شیوه‌ی ترکیب انواع کلمات تا سطح **گروه یا جمله** می‌پردازند. آن‌گاه گروه‌ها را به انواع **گروه اسمی** (مثل «این کتاب جلد سبز»)، **گروه فعلی** (مثل «گفته شده بود») و غیره طبقه‌بندی می‌کنند. جمله‌ها را هم به انواع **جمله‌ی ساده**، **جمله‌ی مرکب**، **جمله‌ی شرطی**، **جمله‌ی امری**، **جمله‌ی خبری** و مانند این‌ها تقسیم می‌کنند.

در سطح سوم زبان‌شناسان به بررسی **معنای** انواع تک‌واژها، کلمه‌ها، گروه‌ها و جمله‌ها و **روابط معنایی** آن‌ها روی می‌آورند. این سطح از مطالعه‌ی نظام زبان را **معنائشناسی** می‌نامند. در این سطح، از یک طرف، معنای هر یک از تک‌واژها، کلمه‌ها، جمله‌ها و ... را توصیف می‌کنند؛ مثلاً، معنای هر یک از تک‌واژهای «باغ» و «- بان» یا کلمات «باغبان» و «گل‌فروش» را مشخص می‌کنند. از طرف دیگر، نشان می‌دهند که به فرض، چگونه هردسته از کلمه‌ها در یک **حوزه‌ی معنایی** قرار می‌گیرند؛ مثلاً چگونه کلمه‌های «پدر»، «مادر»، «خواهر»، «برادر» و غیره در حوزه‌ی معنایی «خانواده» فراهم می‌آیند؛ نیز نشان می‌دهند که میان کلمات و جملات چه روابط معنایی برقرار می‌شود؛ مثلاً، رابطه‌ی معنایی میان «پدر» و «بابا»، **ترادف**، رابطه‌ی معنایی میان «روز» و «شب» **تضاد** و رابطه‌ی معنایی میان «پدر» و «والدین» **تضمن** است و مانند این‌ها.

## فَعَالِيَّت ۲

فکر کنید و پاسخ دهید :

در کتاب زبان فارسی بیشتر کدام سطح از زبان مطرح شده است؟ چرا؟

اکنون، در پرتو مطالب بالا می‌توان دریافت که مطالعه‌ی علمی زبان در حوزه‌ی

زبان‌شناسی همگانی چگونه صورت می‌گیرد. حال اگر کمی دقت کنیم، می‌بینیم که هنوز یک سؤال بی‌جواب مانده است و آن، این که: اگر مطالعه‌ی زبان در محدوده‌ی یک گویش (مثلاً، گویش گفتاری معیار) آن هم فقط در یک برهه از زمان (مثلاً در زمان حاضر) انجام شود، چگونه می‌توانیم ادعا کنیم که از این راه به شناخت کل زبان دست می‌یابیم. به این سؤال در سال‌های دیگر پاسخ خواهیم داد.

## بیاموزیم

دو جمله‌ی زیر را مقایسه کنید.

الف) کتاب داستانی را که هفته‌ی پیش منتشر شده بود، خریدم.

ب) کتاب داستانی که هفته‌ی پیش منتشر شده بود را، خریدم.

با اندکی دقت در می‌یابیم که جمله‌ی الف درست است؛ زیرا نشانه‌ی مفعولی «را» بلافاصله در کنار مفعول جمله یعنی «کتاب داستانی» قرار گرفته است. کاربرد جمله‌ی ب، به دلیل فاصله افتادن بین «را» و «مفعول» نادرست است.

دو جمله‌ی زیر را مطابق جمله‌ی «الف» اصلاح کنید.

رزمندگان، سلاح‌هایی که به غنیمت گرفته بودند را به پشت جبهه منتقل کردند.

من مسابقه‌ای که دیروز برگزار شد را دیدم.

## خودآزمایی

(۱) واج‌شناسی چیست؟

(۲) وظیفه‌ی هریک از دو بخش صرف و نحو را در دستور زبان بیان کنید.

(۳) معناشناسی چه کاربردی در زبان‌شناسی دارد؟

(۴) رابطه‌ی بین کلمات «کتاب و مدرسه»، «ورزش و فوتبال»، «هست و نیست» و «خانه و منزل»

را بیان کنید.

(۵) نوع قیده‌ها را تعیین کنید.

«گویند شخصی از بینوایی در فصل زمستان دُرّاعه‌ی کتان و جامه‌ی بلند کتانی، یکتا پوشیده بود. در این حین خرسی را سیل از کوهستان در ربوده بود سرش در آب پنهان، کودکان که پشت خرس را دیدند به شخص گفتند: اینک پوستینی در جوی افتاده است و تو را سرماست، آن را بگیر. مرد از غایت احتیاج و سرما در جَسْت که پوستین را بگیرد. خرس تیز چنگال در وی زد. مرد در آب گرفتار خرس شد. کودکان بانگ می‌داشتند که پوستین را بیاور و اگر نمی‌توانی آن را رها کن و بیا.»

مرد گفت: من پوستین را رها می‌کنم، پوستین مرا رها نمی‌کند!»

(۶) با کلمات له و علیه دو جمله‌ی مناسب بنویسید.